



فیلم‌های ترسناک و شخصیت «جن» در سینمای ایران

پیمان قاسم‌خانی که بارها ثابت کرده فیلمنامه‌نویس خلاق و هوشمندی است، فیلمنامه کوتاهی دارد به نام «تدوینگرها» که باید گفت بهترین و کاربردی‌ترین فیلمنامه‌ای است که تاکنون با استفاده از شخصیت «جن» نوشته شده است.

چه کسی نخستین بسم‌الله را گفت؟!

پیمان قاسم‌خانی که بارها ثابت کرده فیلمنامه‌نویس خلاق و هوشمندی است، فیلمنامه کوتاهی دارد به نام «تدوینگرها»؛ که باید گفت بهترین و کاربردی‌ترین فیلمنامه‌ای است که تاکنون با استفاده از شخصیت «جن» نوشته شده است.

گرچه در این فیلمنامه هم به سبک و سیاق همیشگی نوشته‌های قاسم‌خانی، کمدی و طنز در پیشبرد داستان نقش اساسی دارد، با این حال فضای ترسناک و جن زده فیلمنامه خیلی خوب و دقیق از کار درآمده است.

غرض از طرح این موضوع آن که اشاره ای داشته باشیم به جای خالی جن در سینمای ایران و ژانر وحشت.

میان محدود ژانرهای موجود در سینمای ایران، گونه سینمای ترسناک یا وحشت بیش از سایر ژانرها مورد ظلم واقع شده، زیرا با وجود گام‌های کوچکی که برای احیا و شکل‌گیری سینمای ترسناک در سال‌های دور برداشته شد، به دلیل ضعف ساختاری فیلم‌ها و نوع مواجهه با موضوع‌های مربوط به این ژانر، چنان که انتظار می‌رفت، از آنها استقبال نشد و تا امروز نیز مهجور باقی مانده است.

با این همه، بین اندک تلاش‌هایی که برای تولید فیلم ترسناک در سینمای ایران شکل گرفت، می‌توان فیلم‌های در خور توجه و قابل احترامی هم یافت که با شگرد و وسواس‌های کارگردان، ترس تماشاگر را در سالن‌های تاریک رقم زدند.

چنین نمونه‌هایی زیاد نیست. مهم‌ترین و مشهورترین آثار در این حیطه را می‌توان فیلم‌هایی نظیر شب بیست و نهم، خوابگاه دختران، اثیری، کلبه، حریم و آل نام برد، اما اگر سینمای وحشت تا امروز در کشور ما آن‌طور که باید و با هدف و کارکرد اصلی اش (ترساندن برای تفریح و سرگرمی) پا نگرفته، دلیل آن را می‌توان نوع دیدگاه و رویکرد سینمای ایران به موضوع ترس و حواشی آن دانست.

مسئله ترسیدن یا ترساندن در کشور ما مثل هر چیز دیگر بیش از آن که جنبه سرگرمی داشته باشد، درگیر مسائل بی‌ربطی مانند استفاده‌های آموزشی و اخلاقی شده و از این رو فیلم‌هایی که در ژانر ترسناک تولید می‌شود، اغلب مسخره از کار درمی‌آید و هر کاربردی دارند جز آن که از فیلمی ترسناک انتظار می‌رود.

در واقع باید گفت فیلم ترسناک ایرانی در بیش از صد سال سینماداری ایران، از سه الگوی اصلی و کلیشه‌ای فراتر نرفته که عبارت است از: الگوهای مذهبی، جنایی و کمدی.

چه آن زمان که فیلمی مثل «شب نشینی در جهنم»؛ از سوی مرحوم ساموئل خاچیکیان ساخته شد و اثری کمدی و پندآموز از کار درآمد و بعدها این کارگردان به عنوان سردمدار سینمای ترسناک راهش را ادامه داد و با الهام از داستان‌ها و الگوهای جنایی - پلیسی غربی، دهه 40 و 50 ایران را آکنده از فیلم‌های ترسناکی کرد که جنایت، خمیرمایه اصلی آنها برای ترساندن بود و بالاخره زمانی که پس از انقلاب، زنده یاد حمید رخشانی سعی کرد با ساخت شب بیست و نهم مزه ترس در سالن سینما را به تماشاگر فیلمفارسی زده ایرانی بچشاند، هرگز ترس موضوع اصلی فیلم‌ها نبود.

بلکه ترس در حاشیه داستانی دیگر قرار داشت. غیر از این، وجود خطوط قرمز در شوخی با موجودات ماوراءالطبیعه از جمله جن‌ها، فرشته‌ها، پری‌ها، ملائکه، ارواح و اشباح و از این قبیل، حساسیت‌های فراوان و دشواری در کار بود که اجازه نمی‌داد نویسندگان و فیلمسازان در ساخته‌هایشان بیشتر از تخیل خود کار بکشند و به این موجودات ناشناخته نزدیک تر شوند و تصویری وهم‌انگیز از آنها را بر پرده سینما به نمایش بگذارند.

با وجود همه این مسائل در برخی فیلم‌های سینمای ایران، تصاویری از جنیان به نمایش درآمده یا از نام و حضور متافیزیکی آنها

استفاده های خوبی شده است.

برای مثال فیلم #171؛ روز فرشته؛ (بهرروز افخمی) که اکبر عبدی در نقش ملک الموت ظاهر شده؛ نقشی که بعدها مشابه آن را (با کمی تغییرات)، رامبد جوان در #171؛ جعبه موسیقی؛ (فرزاد موتمن) بازی کرد.

#171؛ رازها؛ ساخته حسین شهابی فیلمی است که سعی شده در آن شکلی واقعی از جن ها ارائه شود، اما نتیجه کار آنقدر و ابتدایی است که کودکان هم متوجه ساختگی بودن آنها می شود. در دیگر فیلم ها نیز جن هرگز به شکلی که در افسانه ها و قصه ها و کتاب ها شنیده و خوانده ایم، با بدن های پوشیده از مو و قدهای خیلی کوتاه یا خیلی بلند و پاهایی مانند حیوانات دارای سُم و... ترسیم نشده است.

فیلم های ترسناک ایرانی، مملو از فرشته و ارواحی است که آنها هم قصد ترساندن ندارند یا اگر با این نیت خلق شده باشند، توانایی اش را ندارند.

سریال تلویزیونی #171؛ او یک فرشته بود؛ تا حدودی به این ویژگی نزدیک شده بود و با جلوه های ویژه و تکنیک های دیداری و شنیداری موفق شده بود کمی تماشاگر وطنی را بترساند، ولی هنوز تا رسیدن به نتیجه مطلوب راه بسیاری در پیش است.

در نخستین سال های دهه 60، فیلم #171؛ توبه نصوح؛ و سپس #171؛ طلسم؛ به کارگردانی داریوش فرهنگ، ژانر وحشت را به مخاطب عرضه کردند که در زمان خود تجربه های موفق بودند اما حتی آنها نیز بیشتر با هدف آگاهسازی یا داستانتگویی تولید شده بود، نه نشان دادن جن و ایجاد تجربه ترس در سالن تارک سینما.

شاید به همین دلیل بود که #171؛ فرهنگ؛ پس از آن دیگر هرگز نتوانست ساخت فیلمی ترسناک را تکرار کند و #171؛ زرد؛ که آن را اثر ترسناک دیگری در کارنامه فیلمسازی اش می دانست، بسختی شکست خورد. در حقیقت نخستین قدم مهم را در نزدیک شدن به جن، مرحوم رخشانی با شب بیست ونهم برداشت که گرچه در آن فیلم خبری از جن نبود، تصاویر ترسناک و موقعیت های خلق شده، حس و حال جن زدگی شخصیت اصلی را بخوبی تداعی می کردند.

امروز سینمای ترسناک ایران بیش از آن که درگیر ترساندن باشد، اسیر تعلیق، رازآلودگی و طرح معماست. هنوز کسی برای روشن شدن چراغ فیلم های ترسناک و ثبت تصویر جن در سینمای ما #171؛ بسم الله؛ نگفته است. جن های سینمای ایران، یا حضوری افسانه ای و فانتزی در فیلم های کودکان دارند، یا نقشی کمدی برای خنده تماشاگر و امدادسانی برای رسیدن شخصیت خوب و بد فیلم ها به آرزوهایشان.

با آن که بعید به نظر می رسد در این آب و خاک علاقه مندان سینما برای تجربه ترس از فیلم های نه چندان ترسناک ایرانی بهره ببرند و بر تعداد تماشاگران آن بیفزایند، جای اجنه و فیلم های ترسناک حرفه ای لابه لای ژانرهای محدود سینمای ایران خالی است و باید برای پرکردن این خلأ هرچه زودتر دست به کار شد. کارگردانان ایرانی تا کنون چندبار با ساخته هاشان نشان داده اند اگر وقت و حوصله کافی خرج کنند، حرف های تازه ای در ژانر وحشت، دست کم برای مخاطب ایرانی دارند.

اگر باور ندارید، یک بار دیگر بنشینید پای فیلم خوش ساخت و کم نقصی مانند خوابگاه دختران تا ببینید چگونه یک کمدین و مجری برنامه کودک (ایرج طهماسب) می تواند با فیلمنامه ترسناکش، مو بر اندام تان راست کند.

احمدرضا حجاززاده - جام جم